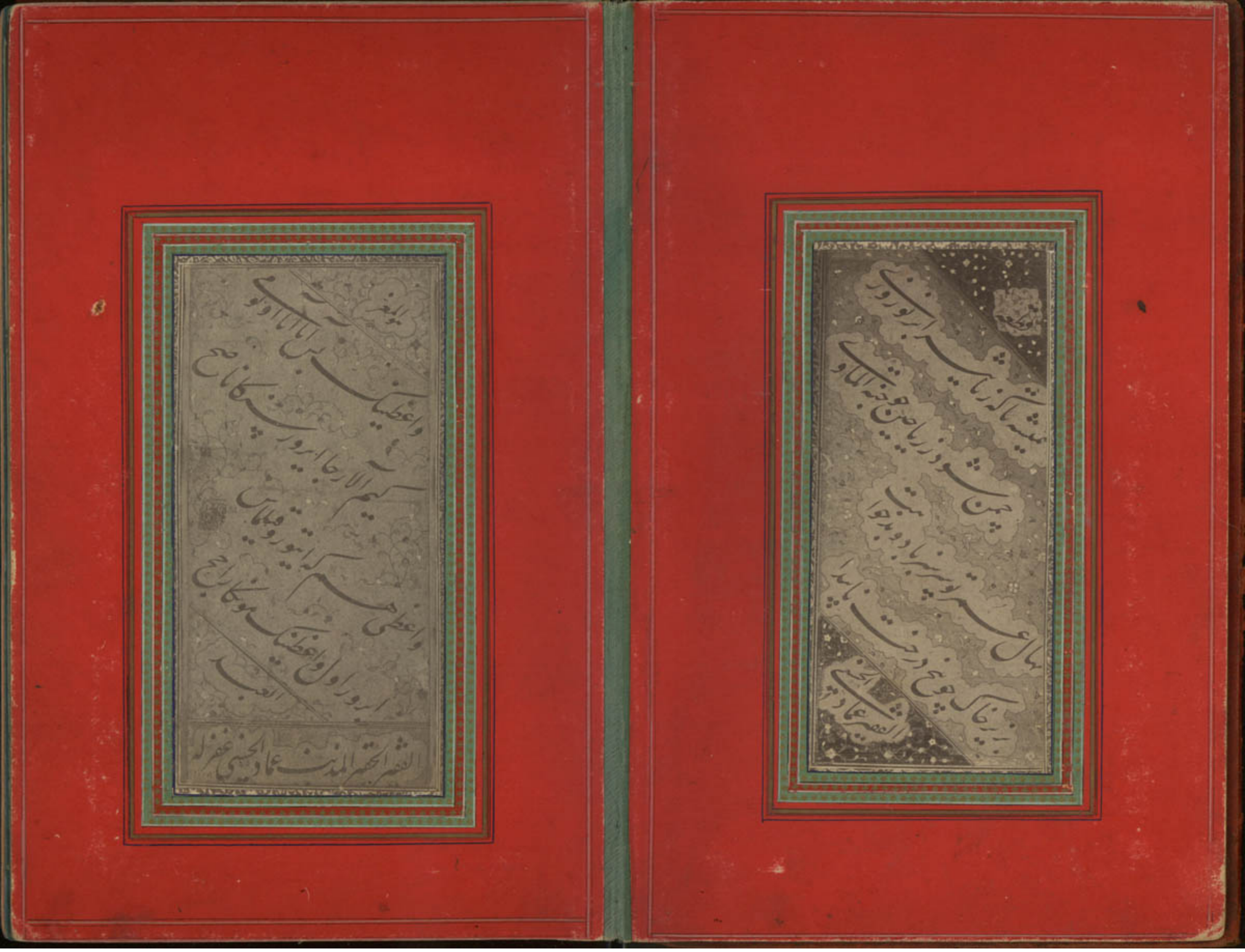
بسم الله الرحمن الرحيم
قل يا ايها الكافرون لا اعبد
ما تعبدون ولا انتم عابدون
ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا
انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم
ولي دين ٥

اذا تغيرت نية السلطان تغيرت الزمان اذا
جاءت الالفة ترك الكلفة حرقة الاولاد
محرقة للاكباد اذا فسدت الزمان ساد اللئا
ئما يشهد على المحبة العينان فصاحة سحبان
وخط ابن مقلة وحكمة لقمان وزهد ابن
ادهم اذا اجتمعت في المرء والمرء مفلس فليس
له قدر بمقدار درهم ودينار صدق

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]


الفقیر الحقیر المذنب عماد الحسنی غفر له







هو الغنی

ای نام تو بهترین سرآغاز

بی نام تو نامه کی کنم باز

ای کارگشای هر چه هستند

نام تو کلید هر چه بستند

ای [illegible] تو [illegible] سرآغاز [illegible]

[illegible]

هنگام عصر پس از کتابتها تحریر شد

[illegible]

ملکی که [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

خط میرزا احمد نیریزی که بسال برنیسته است

ابت عن تبریح الدمع مقلة ذی حزن کسته الضنا الا

الضنا الاوطان فی مشخص الظعن زکا رشده نکار

زکا رشده فاختص بالسعد ثم حلا طیب ذوق ۵

ظل غضا لمن یحیی سطا بجنود الاثم والزیغ فاتکا فاتکا

هو العلی

قال الشعبی الشعراء

فصاحة سحبان ونحو ابن مقبلة

وحکمة لقمان وزهد ابن ادهم

اما ز برکت دشمن آتش بیماری و آتش

در آنکه چهار چیز پادشاهی را

خلل آرد ظلم امیر غفلت وزیر خیانت دبیر

در آنکه چهار

چیز را بقا نبود حاکم ظالم و پیر بی خرد

مال حرام گردش ایام

در آنکه چهار چیز عاقبت چهار چیز است

عاقبت خشم پشیمانی عاقبت لجاج رسوایی

عاقبت بدگویی دشمنی عاقبت کاهلی

خواری در آنکه چهار چیز بچهار چیز

تمام شود دانش بعقل طاعت بورع عمل بصدق

نعمت بشکر در آنکه

چهار چیز آرد خاموشی راحت فضولی

ملالت شکر افزونی

مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد هدهد خوش خبر از طرف سبا باز آمد [illegible]

برکش ای مرغ سحر نغمهٔ داودی باز که سلیمان گل از طرف هوا باز آمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

دلم [illegible] شده در دام تو [illegible] دلم [illegible] شده در دام تو [illegible]

[illegible]

هو الحفیظ تعالی شانه

حمد و سپاس صانعی را [illegible] که مرقع روزگار

[illegible] سواد و بیاض لوح اللیل [illegible] النهار و لوح [illegible] را

[illegible] مراقم صحیفه ن والقلم و ما یسطرون [illegible]

و [illegible] ترتیب [illegible] و درود نامعدود [illegible]

فی اللیل [illegible] محیط است حیدر [illegible]

[illegible] اوراق الوان بهار [illegible] صفحه [illegible] منور [illegible]

شاهد [illegible] جدول [illegible] نور [illegible] اهل الا

[illegible] عطار [illegible] من [illegible]

صفحه [illegible] آسمان [illegible] الذین قال

[illegible] آسمان [illegible] و علی صحب [illegible] الاله

الارض [illegible] الله علیه و آله [illegible] الرحمن [illegible]

فی [illegible] علم [illegible]

السلام ای باد [illegible]

مسکین [illegible] تو ای [illegible]

[illegible] در دلم [illegible] فیض [illegible]

[illegible] تو ای [illegible]

[illegible] ای [illegible]

[illegible]











با عشق تو ام هوا نماندست و هوس
با آتش شوق زنده چون ما نفس

از هستی من نشان نمی یابد کس
ماندست عبارت مرا نامی و بس

ما هم ز جام عشق تو باده پرستان
بر جرعه کشان جو دگر جرعه کشان

بر یاد تو آتش ز صبوحی دیدم
گر تاک نشان جو دور تاک نشان



اگر کاسنی ملحست از بوستان است
واگر عبید عبدالله عبدالله محرم مست
درویش حسبت حسبت حسبت جا گگی گگی سحر الملی
لرحمک رحمک رحمک العظمی العظمی و بالخلد
العظمی العظمی العظمی و بالخلد بالخلد مطمع بطمع بطمع الهی الهی الهی الهی

